

قالی‌باف انتخابات‌شوراها تمام الکترونیک خواهد بود رئیس مجلس شورای اسلامی در نخستین همایش هیات مرکزی نظارت بر انتخابات شوراهای اسلامی کشور و هیات‌های عالی نظارت استان‌ها تصریح کرد انتخابات تناسبی که فعلاً قرار است در شهر تهران انجام شود باید بتدریج از انتخابات‌شوراها به کل کشور تسری یابد و در انتخابات مجلس نیز باید جهت‌گیری برگزاری انتخابات به‌شیوه تناسبی باشد. از نظر محمداقبر قالیباف تناسبی شدن انتخابات در «پیشرفت کشور، انسجام مردم، فعالیت‌های مردمی و مشارکت آنها» مؤثر است. وی همچنین خبر داد انتخابات‌شوراها برای نخستین‌بار به صورت تمام‌الکترونیک و بااستفاده از آخرین ظرفیت‌های فنی برگزار می‌شود.

■ ■ ■

فرمانده کل ارتش:

درباره جنگ ۱۲ روزه پژوهش کنید
امیر سرلشکر «امیر حاتمی» در مراسم افتتاحیه هشداد و ششمین دوره‌مدیریت دفاعی دانشگاه‌فرماندهی و ستاد ارتش، جنگ ۱۲ روزه را سند دروغ‌گویی دشمنان ایران اسلامی دانست و تصریح کرد: «تلاش دشمن آن است که القا کند مشکلات، تحریم‌های ظالمانه و حتی جنگ تحمیلی ۸ ساله، در نتیجه وجود نظام جمهوری اسلامی است اما همین جنگ تحمیلی ۱۲ روزه، برای اثبات دروغ بودن این ادعا کافی است. ما در جنگ ۱۲ روزه، در حالی که مشغول مذاکره بودیم، مورد تهاجم قرار گرفتیم.» فرمانده کل ارتش همچنین با بیان این نکته که وارد دوره جنگ‌های ترکیبی و تمرکز بر حوزه اندرکی شده‌ایم، گفت: «بررسی ابعاد مختلف جنگ ۱۲ روزه، نیازمند تحقیق و پژوهش بسیاری است و دانشگاه فرماندهی و ستاد ارتش باید در این زمینه به طور جدی و روزره، نیازمند تحقیق و پژوهش بسیاری است و دانشگاه فرماندهی و ستاد ارتش باید در این زمینه به طور جدی و روزره، نیازمند تحقیق و پژوهش بسیاری است و دانشگاه فرماندهی و ستاد ارتش باید در این زمینه به طور جدی و نزدیک لمس کردیم و از این تجربه منحصربه‌فرد باید حداکثر استفاده به عمل آید.»

کالاس:

تحریم کردیم اما مذاکره می‌کنیم
مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپایی در سخنرانی خود در مجمع اتحادیه اروپایی و شورای همکاری خلیج‌فارس که در کویت برگزار شده، ادعا کرد: «بازگشت سریع تحریم‌ها و محدودیت‌های هسته‌ای نباید پایان دیپلماسی باشد، من به تماس با همه ذی‌نفعان، از جمله ایران، ادامه خواهم داد، زیرا راه‌حل پایدار برای مسأله هسته‌ای ایران تنها از طریق مذاکره و دیپلماسی قابل دستیابی است». کایا کالاس همچنین مدعی شد پیش از فعال شدن مکانیسم ماشه توسط فرانسه، آلمان و بریتانیا و در طول بازه زمانی ۳۰ روزه پس از آن، تلاش‌های دیپلماتیک بسیار فشرده‌ای با ایران انجام شد. ادعای کالاس در حالی است که ایران تلاش کرد هم در قالب توافق قاهره و هم در قالب مذاکره با مقامات اروپایی مانع فعال‌سازی مکانیسم ماشه شود.

■ ■ ■

مقام‌صهیونیست:

بیشترین حمله سایبری به اسرائیل کار ایران است

«دافنه یاتین» مدیر حوادث سایبری اداره قومی سایبری اسرائیل یادعای اینکه بیشتر حملات سایبری به اسرائیل در سال ۲۰۲۵ از سوی ایران انجام شده است، گفت: «بخش غیر نظامی، بیشتر از همه هدف قرار گرفته و پس از آن بخش‌های ارتباطات و مخابرات، امور مالی و فناوری قرار دارند.» وی همچنین ادعا کرد استفاده از ای‌میل‌های فیشینگ هدفمند با لینک‌ها و پیوست‌های مخرب، حاوی لینک دسترسی به آرشيوهای میزبانی‌شده در پلت‌فرم‌های مختلف اشتراک فایل، شرکت‌های جعلی و حتی دیپ‌فیک و… از جمله اهدافی است که هرکها علیه اسرائیل به کار می‌گیرند.

■ ■ ■

سفر فرمانده نیروی دریایی ارتش به روسیه

امیر دریادار «شهرام ایرانی» در جریان سفر به روسیه برای حضور در اجلاس فرماندهان نیروی دریایی کشورهای حاشیه دریای خزر، در گفت‌وگویی با تأکید بر اینکه هدف همه کشورهای حاشیه دریای خزر برقراری امنیت این دریاست، تصریح کرد: این امر با مشارکت کشورهای حاشیه دریای خزر و به گونه‌ای انجام می‌شود که اقتصاد این منطقه، پویا باشد. فرمانده نیروی دریایی ارتش با بیان اینکه دریای خزر محیطی نیست که جای مانور به دیگران بدهد، گفت: «به اندازه کافی دور دریای خزر قدرت ترشح شده است و موارد مشخص‌شده در این نشست هم بخشی پیش خواهد رفت. پیام این نشست همین است که کشورهای حاشیه دریای خزر، خودشان تصمیم گیر باشند.»

گزارش وال‌استریت ژورنال از روابط مالی چین و ایران

وال‌استریت ژورنال در یک گزارش اختصاصی، کوشش کرد به این سؤال پاسخ دهد که چگونه چین با دور زدن تحریم‌های آمریکا به‌طور مخفیانه برای نفت ایران پرداخت ملی دارد و در نهایت به این نکته رسید که یک توافق پنهان در جریان است، یک توافق پنهان که توسط بیمه‌گر برجسته چینی تضمین شده و تهران را به بزرگ‌ترین مشتری‌اش متصل می‌کند. این گزارش ادعا می‌کند بر اساس گفته‌های مقامات کنونی و سابق چند کشور غربی از جمله آمریکا، این سیستم شبیه میدانه کالا به کالا (بار تر) عمل می‌کند: «نفت ایران به چین صادر می‌شود و در مقابل، شرکت‌های دولتی چینی زیرساخت‌هایی را در ایران می‌سازند. حلقه تکمیل‌کننده این چرخه، یک بیمه‌گر دولتی چینی است که خود را بزرگ‌ترین آژانس بیمه اعتباراتی جهان می‌نامد و یک نهاد مالی چینی است که آنقدر مجرمانه است که نام آن در هیچ فهرست عمومی بانک‌ها یا شرکت‌های مالی چین یافت نمی‌شود.»

مروری بر صحبت‌های اخیر فرمانده کل سپاه درباره آمادگی برای تهدیدات دشمن در دریا

هشدار به آن سوی خلیج فارس

فقط ۵ مایل، یعنی اندکی بیش از ۸ کیلومتر ورود به آب‌های سسرمینی ایران، ۱۵ ملوان انگلیسی را به تور ۲ پاسدار نیروی دریایی جمهوری اسلامی ایران انداخت. ۲۳ مارس ۲۰۰۷/۳ فروردین ۱۳۸۶ نخستین‌باری نبود که غربی‌ها با ایرانی‌ها روی آب درگیر می‌شدند. مؤسسه مطالعات صلح آمریکا در گزارشی در سال ۲۰۲۳ ادعا کرد در ۴۵ سال پس از پیروزی انقلاب ایران، ۵۵ مورد مواجهه و برخورد مستقیم و غیرمستقیم میان نیروهای مختلف ارتش‌های کشورهای غرب با ایرانی‌ها در خلیج‌فارس رخ داده، برخی در طول جنگ ایران و عراق که به «جنگ نفت‌کش‌ها» مشهور شد و برخی در دوره‌هایی که هیچ تنش سیاسی و رویارویی نظامی در کار نبوده است. ۱۲ ژانویه ۲۰۱۶/۲۲ دی ۱۳۹۴ هم، ۱۰ ملوان آمریکایی توسط نیروهای تیب ۲۱۴ تکلوران دریایی سپاه در محدوده آب‌های ایران در نزدیکی جزیره فارسی بازداشت شدند. «مرکز مطالعات اروپایی امنیت مارشال» در گزارشی با تمرکز بر همین رویدادها تصریح کرده است نیروی دریایی ایران کوشش کرده ایران در یک جنگ دریایی احتمالی بر قابلیت‌های نامتقارن خود تمرکز کند. در تحقیق دیگری از مؤسسه «ارزیابی امنیتی چین» که مجموعه‌ای از تحلیل‌های داده‌محور از اقلیم‌های متفاوت را مینا قرار می‌دهد و مبتنی بر آن، سناریوهای آتی در رویارویی‌های سخت را پیش‌بینی می‌کند، نیروی دریایی ایران، دارای استراتژیک ایران خوانده شده. در جنگ نامتقارن، روش‌های غیرمتعارف مرتب در حال تغییر، نوآوری و غیرقابل پیش‌بینی به کار گرفته می‌شود و از این جهت است که مجموعه تحلیل‌ها، نیروی دریایی ایران را با ۲ گزینه «استفاده از صدها قایق کوچک و سریع» برای حملات انبوه و غافلگیرانه به کشتی‌های اسرائیلی و «حملات موشکی از سطح و زیر آب» را برای هر شکلی از نبرد دریایی با

هر رقیبی خطرناک می‌کند. این ۲ گزینه غیر از عملیات مین‌ریزی و اختلال در تجارت دریایی است که در میانه جنگ ۱۲ روزه به عنوان یک گزینه ممتاز برای ایران در صورت دخالت آمریکا در جنگ مطرح شد. در نگاه آمریکایی‌ها نیروی دریایی ایران در همه سال‌های پس از جنگ ۸ ساله، خود را در وضعیت آماده‌باش حمله آمریکا پیش‌بینی می‌کرد. در نتیجه، بی‌سروصدا در حال بازسازی ارتش و آزمایش یک دکترین نظامی جدید است که خواستار یک مبارزه چریکی غیرمتمرکز به سبک عراق علیه یک نیروی مهاجم است؛ چیزی که «طراحان جنگ ایران انتظار دارند که نخستین قدمی که یک نیروی مهاجم برمی‌دارد، اشغال منطقه نفت‌خیز خوزستان، تأمین امنیت تنگه حساس هرمز و قطع تأمین نفت ایران باشد». در واقع، رزمایش‌های مکرر نیروهای

اعتراف طراح تحریم‌های ایران مبنی بر بی‌تأثیر بودن تحریم‌های شورای امنیت بر اقتصاد ایران

نفیو: ماشه بی‌اثر است

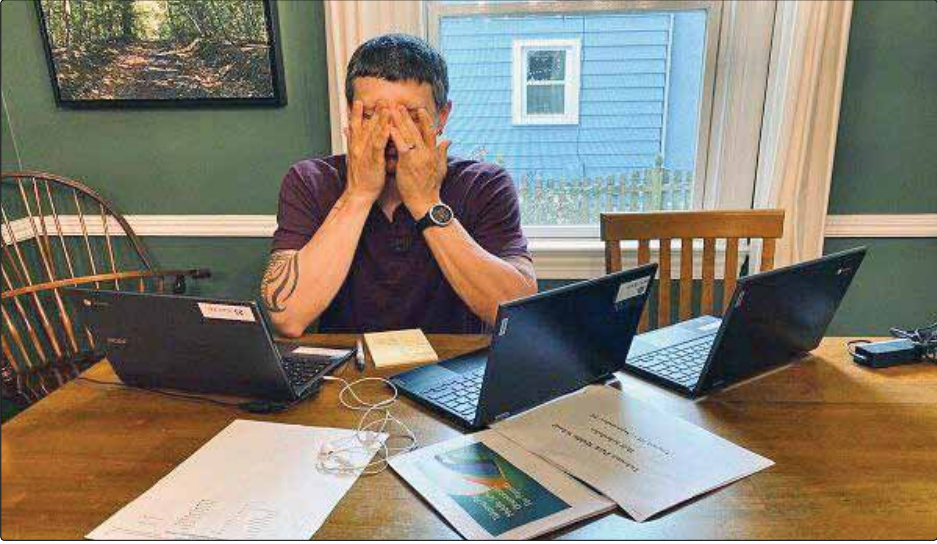
ندارد. اجرای آن نیازمند هماهنگی گسترده میان دیپلمات‌ها و کارشناسان غربی است، زیرا ایران، چین و روسیه در برابر آن مقاومت خواهند کرد.» به گفته وی، بازگشت تحریم‌های شورای امنیت، به خودی خود قدرت اجرایی چندانی ندارد و بدون اجماع جهانی عملاً به اقدامی «سیاسی و نمادین» تبدیل خواهد شد. او در کتابش که به فارسی هم ترجمه شده، ترکیب تحریم و دیپلماسی را برای مقابله با ایران هسته‌ای پیشنهاد می‌کند و البته مفهوم «درد» (فشار تدریجی اقتصادی) را در مقابل «شوک» (اقدامات ناگهانی مانند حملات نظامی) قرار می‌دهد. از نظر او، تحریم‌های موفق باید «درد» کنترل‌شده‌ای ایجاد کنند که رفتار را تغییر دهد، نه خشم یا اتحاد داخلی علیه فشار خارجی را سبب شوند. نفیو تأکید دارد تحریم‌های غیرقابل کنترل می‌توانند به نتایج ناخواسته مانند تقویت نظام سیاسی ایران منجر شوند. علاوه بر این مؤلفه‌ها در نظر معمار تحریم‌ها، مهم‌ترین چالش اجرایی در اعمال تحریم‌های ایران، کور کردن مسیرهای دور زدن تحریم‌هاست. از سوی دیگر باید توجه داشت اجرایی شدن قطعنامه‌های پیشین (مانند ۱۷۳۷، ۱۸۰۳، ۱۸۳۵) وابسته به کمیته تحریم‌هاست – نهادی کلیدی که ساختار و عملکرد آن، نقطه ضعف اصلی استراتژی اسنپ‌بک را آشکار می‌کند- آنچه‌این کمیته را به ابزاری هسته‌ای تبدیل می‌کند، اصل «جماع» (Consensus) است: بر اساس پاراگراف ۱۸ قطعنامه ۱۷۳۷، تصمیم‌گیری‌های کمیته – از جمله انتشار دستورالعمل‌های اجرایی، تأیید معافیت‌های موقت برای فعالیت‌های بشردوستانه، یا حتی انتصاب پنل کارشناسان، نیازمند توافق همه اعضا است. بدون اجماع، کمیته فلج می‌شود و اجرای تحریم‌ها به بن‌بست می‌رسد. روسیه و چین، به عنوان اعضای دائم شورای امنیت و شرکای راهبردی ایران، می‌توانند از این‌اصل به عنوان اهرمی قدرتمند برای اختلال در اجرای



دریایی ارتش و سپاه در چند سال اخیر، بهره‌مندی از خط ساحلی ۲۴۰۰ کیلومتری و کسب تجربه از «جنگ نفتکش‌ها» سبب شده ایران در بخش دریایی همیشه در نوعی آمادگی قرار داشته باشد؛ همان چیزی که فرمانده کل سپاه سیزدهم مهر ۱۴۰۴ در بازدید از یگان‌های نیروی دریایی سپاه اظهار کرد: «همان‌طور که نیروهای مسلح در جنگ تحمیلی ۱۲ روزه، رژیم صهیونیستی و آمریکا را به زانو درآوردند، اگر حرکتی از جانب دشمنان در دریا و جزایر صورت گیرد، نیروی دریایی سپاه با این، آمادگی کامل جواب آنها را خواهد داد». علاوه بر این، سردار سرلشکر «محمد پاکپور» در این بازدید تصریح کرد: «دشمن از معنویت و شجاعت رزمندگان ما هراس دارد و الحاصله در این بازدید آمادگی رزمی و معنوی رزمندگان بسیار خوب بود».

۵ روز پیش هم رئیس ستاد کل نیروهای مسلح در بازدید از یگان‌های دریایی ارتش و سپاه در جنوب کشور گفت: «می‌بینیم در همین مدت کوتاه بعد از جنگ تحمیلی ۱۲ روزه کارهای بسیار بزرگی در نیروی دریایی سپاه انجام گرفته و آنچه ما امروز دیدیم یک آمادگی فوق‌العاده است برای یک درگیری احتمالی». در بیان امیر سرلشکر «سیدعبدالرحیم موسوی»، دریادلان ارتش در جنوب کشور آماده اجرای ماموریت‌های محوله هستند و تمام طرح‌های دفاعی و تهاجمی در مقابله با دشمن را روز به روز تمرین و به‌روزرسانی می‌کنند. وی در بازدید از یگان‌های رزمی نیروی دریایی سپاه هم همین مضمون را تکرار کرد: «در این بازدید تلفیقی از ایمان، انگیزه، دانش، تجربه و روحیه جهادی و انقلابی را مشاهده کردم که این نشان از آمادگی ۱۰۰ درصد نیروی دریایی سپاه در حوزه‌های مختلف رزمی، دفاعی و تهاجمی دارد». مرکز مطالعات اروپایی امنیت مارشال در پایان ارزیابی گزینه‌های دریایی ایران در برابر هر هجوم خارجی نتیجه گرفت: «هر کسی به هر دلیلی جرات مقابله با ایران را با زور داشته باشد، باید بداند با یک قدرت با انگیزه‌های مذهبی، منسجم، مصمم، بی‌رحم، باهوش و چابک روبه‌رو است». مانند تصویر همان پاسداری که انگشت اشاره‌اش را رو به نیروهای آمریکایی در فاصله نزدیک گرفت: ۲۸ فروردین ۱۳۹۹/۱۵ آوریل ۲۰۲۰ در دوران ریاست جمهوری پیشین ترامپ و در جریان گشت‌زنی ۱۱ قایق سپاه پاسداران در نزدیکی ۶ کشتی آمریکایی، یک هفته بعد، ترامپ تهدید کرد اگر ایران دوباره نیروهای آمریکایی را در خلیج‌فارس تحریک کند، علیه این کشور اقدام نظامی خواهد کرد.

احتمالاً ترامپ دیروز در پایگاه دریایی نورفولک، در کنار ناو هوایمابر «یواس هری ترومن» وقتی از ۲۵۰ سال قدرت، سرسختی و شجاعت بی‌نظیر بزرگ‌ترین نیروی رزمی تاریخ دریایی جهان حرف می‌زد، انگشت تهدید آن پاسدار و بازداشت آن ۱۰ ملوان آمریکایی را به یاد نداشت.



تحریم آنچنان که او تصور و ترسیم می‌کرده، به وقوع نپیوسته. دومین تناقض نفیو این است که از سوی او در دیدگاه‌هایش در روزهای پس از جنگ ایران با اسرائیل و آمریکا، اسنپ‌بک را حیاتی و توجیه‌پذیر می‌داند و بر اعمال آن اصرار دارد و از سوی دیگر در کتابش تأکید دارد تحریم‌ها باید مشوق مذاکره باشند، نه مانع آن. شاید لازم باشد معمار تحریم‌های ایران یک بار دیگر فصل پنجم کتاب خودش را بخواند! آنجایی که نویسنده اصرار دارد اهمیت طراحی «نقشه خروج» برای تحریم‌ها را برجسته کند، چرا که از نظر او، بدون مسیر مشخص برای لغو تحریم‌ها (مانند توافقی با امتیازات متقابل)، تحریم‌ها می‌تواند به بن‌بست منجر شود. همان اتفاقی که رخ داده و مقصر نخست آن ۳ کشور اروپا هستند که مکانیسم ماشه را فعال کردند؛ ماشه‌ای که روی کاغذ باقی خواهد ماند، نه مسیر دور زدن تحریم‌ها مسدود شده و نه اجماعی علیه ایران به وقوع پیوسته.

تحریم‌ها استفاده کنند. ۴ روز پیش وقتی ریاست دورای شورای امنیت سازمان ملل به روسیه رسید، نمایندگی دائم روسیه در سازمان ملل تأکید کرد بازگشت تحریم‌های لغو شده شورای امنیت علیه ایران، از نظر مسکو فاقد اعتبار بوده و تحریم‌های ایران در تاریخ ۱۸ اکتبر (۱۱ روز دیگر) لغو خواهند شد. نفیو در مقاله‌ای که ژوئیه سال گذشته در مؤسسه واشنگتن برای خاور نزدیک منتشر شد، تصریح کرد ایران پس از اجرای کمپین فشار حداکثری در یک انتخاب استراتژیک مشابه ۲۰۰۵ قرار گرفته اما خود او در کتاب «هنر تحریم‌ها» که سال ۲۰۱۷ منتشر شد، تأثیرگذاری تحریم‌ها را نیازمند اجماع جهانی، بویژه در مقابله با تهدید حمله مستقیم موجه است؛ تهدیدی که سال ۲۰۱۲ رخ داد. با این نگاه، نفیو دیدگاه‌های پیشین خود را رد می‌کند. در واقع، مبنای دیدگاه او یعنی ترکیب تحریم و دیپلماسی آنقدر در سال‌های اخیر نامتوازن بوده که اثرگذاری

تهران – تل‌آویو؛ ایستگاه «وعده صادق»

عملیاتی برخی موشک‌های ایرانی شبیه سبیل مطرح می‌شود که هنوز هم در حال تغییر محاسبات طرف صهیونیست است. در عمل، توازن بازدارندگی از حالت یک‌طرفه اسرائیلی به حالت دوطرفه متقارن تغییر کرده است. اسرائیل این پیام را بخوبی دریافت کرده است که از این پس، هرگونه اقدام آن در خاک ایران یا علیه منافع ایران به نفعش، با تهدید حمله مستقیم مواجه است؛ تهدیدی که از سطح شعار عبور کرده و قابلیت عملیاتی آن اثبات شده است. این تغییر، بویژه در محاسبات استراتژیک آمریکا می‌داندند معادله امنیتی خاورمیانه دیگر صرفاً بر محور اسرائیل نمی‌چرخد، بلکه محور جدیدی به نام بازدارندگی متقارن تهران – تل‌آویو شکل گرفته است.

■ **افول مشروعیت بین‌المللی اسرائیل**

در عرصه جهانی نیز مشروعیت اخلاقی و سیاسی اسرائیل در پایین‌ترین سطح تاریخ خود قرار گرفته است. سیاست‌های سخت‌گیرانه در غزه، حملات بی‌وقفه به غیرنظامیان و زنانی در ارائه راه‌حل سیاسی، اسرائیل را در افکار عمومی جهان به دولتی ناقض اصول انسانی و حقوق بشری تبدیل کرده است. اروپا نیز بتدریج در حال فاصله گرفتن از حمایت تمام‌قد از تل‌آویو است. عزیمت کاروان کشتی‌های صمود به غزه و صادره آنها توسط اسرائیل در حالی که با پخش زنده و در گستره جهانی انجام می‌شد، نشان‌دهنده تأثیر بین‌المللی بی‌اعتباری اسرائیل بود. این وضعیت، عملاً اسرائیل را از یک قدرت بزرگ با پشتوانه سیاسی جهانی، به قدرتی محلی و وابسته به حمایت‌های اضطراری آمریکا

باشند، اصل حمله و عبور از خطوط قرمز، اثر روانی بسیار عمیق‌تری بر جای گذاشت (این در حالی است که طبق مستندات موسسه مطالعات امنیتی آمریکا، نرخ موشک‌های ایران در «وعده صادق ۳» بین ۶۰ تا ۷۰ درصد ذکر شده است). از این پس، اسرائیل نه به عنوان بازیگر بانبات، بلکه به عنوان بازیگر دیده می‌شود که در شرایط بحران دائم امنیتی به سر می‌برد.

■ **جنگ غزه، «وعده‌صادق» و فروپاشی قدرت نرم منطقه‌ای**
مهم‌ترین نشانه کاهش قدرت نرم اسرائیل را باید در سرنوشت توافقات عادی‌سازی روابط با کشورهای عرب محسوب کرد. پیش از ۷ اکتبر ۲۰۲۳، روند موسوم به موافقتنامه‌های ابراهام با حمایت آمریکا پیش می‌رفت و حتی زمزمه عادی‌سازی روابط عربستان و اسرائیل به گوش می‌رسید اما جنگ غزه و متعاقب آن ۳ عملیات «وعده صادق»، این روند را متوقف کرد.

کشورهای عرب اکنون دیگر نمی‌توانند در برابر افکار عمومی خود، عادی‌سازی با تل‌آویو را توجیه کنند. تصاویر ویرانی غزه، نفرت عمومی از سیاست‌های اسرائیل و بازگشت گفتمان مقاومت به مرکز فضای عمومی جهان عرب، همگی موجب شد نفوذ نرم اسرائیل در سطح اجتماعی و سیاسی جهان اسلام بشدت کاهش یابد. اگر پیش‌تر رژیم می‌کوشید از مسیر دیپلماسی اقتصادی و فناوری خود را «بازیگر عادی منطقه» جلوه دهد، امروز به دولتی منزوی و پرهزینه برای همپیمانش تبدیل شده است.

■ **بازدارندگی معکوس و توازن جدید قدرت**

۳ عملیات «وعده صادق» همچنین نوعی «بازدارندگی معکوس» ایجاد کرد. در حالی که اسرائیل همواره خود را صاحب انحصار در پاسخ سخت می‌دانست، اکنون ناچار است در محاسبات امنیتی‌اش، احتمال واکنش مستقیم و البته ویرانگر ایران را نیز لحاظ کند. اینک بعد از گذشت ۱۰۰ روز از جنگ ۱۲ روزه، بحث‌هایی مبنی بر گستره

ادامه از صفحه اول
■ **بازدارندگی مطلق تا آسیب‌پذیری عیان**
پیش از «وعده‌های صادق»، اسرائیل در ذهن بازیگران منطقه‌ای و حتی فرمانطقه‌ای، قدرتی با بازدارندگی مطلق تصور می‌شد. روایت مسلط آن بود که هیچ کشوری در خاورمیانه توان حمله مستقیم به اسرائیل را ندارد و هر اقدامی در این سطح با پاسخ ویرانگر مواجه خواهد شد اما حمله ایران به اسرائیل، این تابو را شکست. برای نخستین‌بار، یکی از بازیگران منطقه نشان داد توانایی عبور از خط قرمز رژیم را دارد. این تحول، اشغالگران را از جایگاه «قدرتی بی‌رقیب» به «قدرتی آسیب‌پذیر» تنزل داد؛ تغییری که بیش از آنکه در میدان نظامی رخ داده باشد، در میدان ادراک و روانشناسی قدرت اتفاق افتاد. به بیان دیگر، اسرائیل از قدرتی بازدارنده با اتکای نمادین، به قدرتی واکنشی با قابلیت محدود در بازدارندگی متقابل تبدیل شد. این دگرگونی، نه‌تنها ساختار امنیتی رژیم، بلکه تصور جهانی از آن را نیز دگرگون کرد.

■ **فرو ریختن تصویر هژمونیک روز**

قدرت اسرائیل در خاورمیانه همواره به آنکه ناشی از توان نظامی باشد، ریشه در اعتبار ذهنی و روانی آن داشته است. تل‌آویو توانسته بود با نمایش ثبات، فناوری پیشرفته و ارتباط راهبردی با غرب، خود را به عنوان «مداد مدرنیته امنیتی» در خاورمیانه معرفی کند. اما ۳ عملیات «وعده صادق» این تصویر را فروریخت. وقتی کشوری چون ایران که سال‌ها در قالب دفاع مثلتی و دفاع منطقه‌ای عمل می‌کرد، به مرحله اقدام مستقیم می‌رسد، معنایش این است که بازدارندگی اسرائیل دیگر کارکرد پیشین خود را ندارد. حتی اگر بخشی از موشک‌ها و پهپادهای ایرانی توسط سامانه‌های دفاعی رهگیری شده



بدل کرده است.

■ **جایگاه جدید رژیم در نظم منطقه‌ای**

در نتیجه این تحولات، اسرائیل دیگر توان هدایت روندهای ژئوپلیتیک منطقه را ندارد. ابتکار عمل از دستش خارج شده و اکنون در موقعیت دفاعی و واکنشی قرار گرفته است. اگر پیش‌تر تل‌آویو بازیگری تعیین‌کننده در طراحی نظم امنیتی خاورمیانه بود، اکنون باید برای بقا و مدیریت بحران داخلی تلاش کند. همزمان ایران با نمایش توان پیش‌بینی‌ناپذیرتری در ذهن قدرت‌های منطقه‌ای تثبیت شده است. این تحول، چهره امنیتی خاورمیانه را از نظم تک‌قطبی اسرائیلی به نظم چندقطبی بازدارنده تغییر داده است؛ نظمی که در آن، هیچ قدرتی قادر نیست بدون درنظر گرفتن واکنش طرف مقابل اقدام کند.

■ **از قدرت مسلط به قدرت بحران‌زده**

عملیات بازدارندگی «وعده صادق» را باید نه صرفاً یک پاسخ نظامی، بلکه یک نقطه چرخش در سیاست منطقه‌ای دانست. این عملیات نشان داد دوران مصونیت اسرائیل پایان یافته و برتری آن در عرصه نرم و نمادین نیز رو به افول است. اسرائیل هنوز از نظر نظامی تغییر نندمند است اما دیگر نمی‌تواند بر پایه هاله‌ای از شکست‌ناپذیری و بازدارندگی مطلق رفتار کند. در نهایت، اسرائیل پس از «وعده‌های صادق» در موقعیتی قرار گرفت که می‌توان آن را «قدرت بحران‌زده» نامید؛ قدرتی که هنوز امکانات سخت دارد اما از سرمایه نرم، اعتماد سیاسی و مشروعیت منطقه‌ای تهی است. در مقابل، ایران با تکیه بر رویکردی ترکیبی از بازدارندگی سخت و اعتبار نمادین، توانسته نظم امنیتی خاورمیانه را به چالش‌بی سابقه برای تل‌آویو بدل کند؛ نقطه‌ای که شاید آغاز شکل‌گیری موازنه‌ای پایدارتر و واقعی‌تر در منطقه باشد.